

یادداشت

مهار تورم در گرو رشد تولید اقتصادی



امیر حسن کاکایی

عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت

سیاست گذاری های صنعت خودرو سمت و سوی خوبی ندارد و متأسفانه سال گذشته شاهد رشد تولید همراه با رشد زیاندهی بوده ایم. البته هنوز آمارها اعلام نشده، اما برآوردها نشان دهنده افزایش معنی دار ارزی صنعت و بازار خودرو بوده، چراکه در راستای تأمین رشد موردنظر، خودروسازان برای ارتقای استانداردها و رشد تولید ناچار بودند قطعات بیشتری از خارج وارد کنند. البته استهلاک اضافه و عدم سرمایه گذاری، چیزی نیست که فوری در خروجی کار خنجات دیده شود. در حالی که عملاً در سال گذشته یک دنده عقب در بحث خودکفایی و توسعه فناوری داشته ایم. البته مطمئناً مسئولان با ارائه آمارهایی، جواب من را خواهند داد، اما شاخص های کلان اقتصادی و البته رضایت عامه مردم نشان می دهد آمارهای ارائه شده چقدر صحت دارند. اینکه مردم روز به روز با وجود افزایش حجم تولید و البته ارتقای ظاهری استانداردها، بیشتر انتقادات به خودروسازی و طرفداران خودرو داخلی از جمله خود من می دهند، وارد می شود نشان از عقبگرد این صنعت در مسیر توسعه دارد. ضمن اینکه یادآوری می کنم که توسعه نسبی است. اگر می شد فقط خودمان را با خودمان مقایسه کنیم، ادعا می کردیم که پیشرفت کرده ایم، اما وقتی مردم خودشان را با همسایگانی مانند ترکیه و امارات مقایسه می کنند، احساس عقب افتادگی می کنند. حال مقایسه با کره جنوبی و چین و... را کنار بگذاریم. نکته جالب تری که سال گذشته، مانند ۴ سال قبل تجربه کردیم این بود که با قیمت گذاری دستوری، قیمت های بازار هم کنترل نشد. من تقریباً هر روز قیمت ها را کنترل می کردم و به طور دقیق خدمت شما عرض می کنم که در اوج خبرهای خوب صنعت خودرو، با بالا رفتن قیمت ارز، شاهد بالا رفتن قیمت خودرو بوده ایم. برعکس آن هم مشاهده می شد و با پایین آمدن قیمت ارز، مانند آنچه در اسفند رخ داد، شاهد کاهش قیمت خودرو، البته با تأخیر بوده ایم. الان با ورود به سال جدید و افزایش بالای ۱۰ درصدی قیمت بازاری ارز، قیمت خودرو هم بالا رفته است. پس به راحتی می توان نشان داد که سیاست قیمت گذاری دستوری، نه تنها به صنعت ضربه زد، بلکه بازار را هم بیش از پیش برآشفته. حال با توجه به نگاهی کوتاه به تجربه گذشته، به الزامات تحقق شعار سال بپردازیم. اولاً مهار تورم چیزی نیست که فقط بخواهیم آن را با تولید محقق کنیم. سیاست های مالی و اقتصادی کلان و عملکرد بانک مرکزی و وزارت اقتصاد، مهم ترین عامل مدیریت تورم است که در تخصص من نیست، اما نتایج آن را می توانم به خوبی لمس کنم. تا وقتی پول بدون پشتوانه توسط دولت ها به بازار تزریق شود، عملاً روز به روز ارزش پول ملی پایین می آید و بدون شک قیمت های همه چیز از جمله خودرو بالا می رود. همچنین تا وقتی دلالی و سفته بازی در بازار سرمایه بیشتر از هر تولید محصول و خدماتی سودآور است و تولید کننده از هر طرف تحت فشار باشد، نگرانی سرمایه گذاران همچنان در سطح بالایی باقی خواهد ماند و سرمایه ها به سمت دلالی و سفته بازی خواهد رفت و با یک تورم انتظاری هم مواجهیم. اگر از وظایف مربوط به اقتصاد کلان بگذرم و بخواهم درباره راه کاهش تورم در صنعت خودرو صحبت کنم، باید قبل از هر چیز بر لزوم اصلاح قیمت های رسمی خودروسازان، به ویژه خودروساز خصوصی که قیمت عمده خودروهایشان در سال ۱۴۰۱، عملاً در تعلیق بود و زیانشان به شدت افزایش یافت، تاکیدی کنم. البته این فقط یک شروع بوده و بدیهی است که شرایط فعلی بازار سرمایه، عملاً باعث خواهد شد قیمت ها در بازار خودرو بالا بکشد. در مجموع برای اینکه قیمت خودرو به تعادل منطقی اقتصادی برسد، چند کار باید انجام شود. اولاً قیمت ها باید بر مبنای منطق اقتصادی بالا اصلاح شود، نه منطق سیاسی، چراکه اگر بر مبنای منطق سیاسی اصلاح قیمت ها انجام شود، همچنان در خرید خودرو رانت وجود خواهد داشت و جذابیت برای سرمایه گذاری در خرید خودرو بالا خواهد ماند و از آن طرف هم خودروسازان طور که باید و شاید نمی توانند سرمایه گذاری های جدید انجام دهند. حال اگر قیمت ها بر مبنای منطق اقتصادی بالا برود، اولاً جذابیت این صنعت برای سرمایه گذاری بالا می رود و دوم اینکه جذابیت دلال بازی در بازار خودرو پایین می آید. اما در ادامه با افزایش در آمد خودروسازان، دولت و مجلس باید شروع به رفع موانع تولید و بسترها را برای جذب درآمدهای حاصله برای سرمایه گذاری در جهت ظرفیت سازی در صنعت قطعه سازی و خودروسازی فراهم کنند. در تکمیل موارد یادشده باید عرض کنم اصولاً یکی از دلایل افت شدید ارزش پول ملی طی این سال ها، بی توجهی به بهره وری و تولید اقتصادی صنایع مختلف بوده است. صرف افزایش تیراژ به معنی افزایش در آمد واقعی کشور نیست.

کوتاه

۵۲ هزار حلقه لاستیک کشف و توزیع شد

رئیس سازمان تعزیرات حکومتی اظهار داشت: در ایام نوروز واحد کشتیک داشتیم و تا پاسی از شب به شکایات اعلام شده رسیدگی می کردند و گاهی راساً گشت مشترک می کردند. در این فاصله ما ۱۷ هزار و ۲۲۵ کیپ گشت اعزام کردیم و بازرسی هایی داشتند و ۳۰ هزار و ۶۴۹ واحد دارای تخلف بودند و ۱۷ هزار و ۹۵۰ فقره پرونده تشکیل شده و ۲۷۱۶ فقره پلمب واحد متخلف و نصب پتر واحد متخلف را در گشت مشترک داشتیم و ۱۶۰۰ فقره در اجرای احکام پرونده ها بوده است و کلا بیش از ۴۲۰۰ نصب پتر واحد متخلف در آغاز طرح تا امروز داشتیم. محمدعلی اسفندی گفت: در بحث اجرای احکام مجموع پرونده های وارده ۱۳ هزار و ۲۰۶ پرونده وارده بود و بیش از ۹ هزار پرونده حکم اجرا شده و مبلغ ریالی اخذ شده حدود یکصد میلیارد تومان بوده است. وی افزود: در یک فقره کشف لاستیک خودرو را داشتیم و حدود ۵۲ هزار حلقه لاستیک را یک انبار کشف شد و حکم صادر شد و دستور عرضه لاستیک به بازار داده شد و بین مصرف کنندگان کالای توزیع شد.

آرمان ملی - احسان انصاری: صداوسیما که عنوان رسانه ملی را با خود یدک می کشد در سال های اخیر بازیگرش مخاطب مواجه شده و اغلب کارشناسان نیز نسبت به این نکته اذعان دارند. در سال هایی که شبکه های ماهواره ای به رقیب صداوسیما تبدیل شدند تلاش هایی صورت گرفت که صداوسیما در این رقابت عقب نماند. با این وجود با ظهور شبکه های اجتماعی و به تازگی شبکه نمایش خانگی، صداوسیما در رقابت با رقبای دیگر عقب مانده و بازیگرش مخاطب مواجه شده است. اتفاقی که برای رسانه ملی پیامدهای مختلفی به همراه خواهد داشت. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم ترین دلایل کاهش مخاطب رسانه ملی با علی اکبر قاضی زاده، نویسنده و پژوهشگر حوزه رسانه گفت و گو کرده است. وی معتقد است: «باید پذیریم که صداوسیما یک رسانه است و با توجه به دغدغه هایی که مدیران آن دارند فعالیت می کند. باید آنها را هم یک رسانه در نظر بگیریم. اینکه یک رسانه به چه شیوه ای عمل می کند باعث نمی شود از معنای رسانه بودن خود فاصله بگیرد. صداوسیما به هر حال یک رسانه است. رسانه دارای تعریفی مشخص است. رسانه در مرحله نخست باید تولیدات خیری داشته باشد، دوم اینکه مخاطب داشته باشد و سوم اینکه مطالب دلخواه مخاطب را منتشر کند. صداوسیما یک رسانه به شمار می رود اما رسانه ای نیست که همه جمعیت کشور به آن اعتماد و اعتقاد داشته باشند. بخشی از جامعه مشروعیات این رسانه پر هزینه را پذیرفته اند و آن را رسانه خود می دانند. به هر حال باید پذیریم که صداوسیما یک رسانه پرخرج و پرهزینه است که سالانه بودجه بسیار زیادی را به خود اختصاص می دهد.» در ادامه حاصل این گفت و گورامی خوانید.

مهم ترین دلایلی که صداوسیما با ریزش مخاطب مواجه شده است چیست؟

واقعیت این است که صداوسیما در ایران مخاطب خاص دارد. به هر حال صداوسیما یک رسانه دولتی است و رسانه های دولتی نیز دارای ویژگی های خاص خود هستند. از سوی دیگر صداوسیما با رویکردی که در پیش گرفته حساب خود را از رسانه های دیگر جدا کرده است. در دهه های اخیر صداوسیما سیاست هایی را دنبال کرده که تاکنون نیز به شکل های مختلف ادامه داشته است. یکی از سیاست های که صداوسیما همواره دنبال کرده این

است که گویا به مصلحت نیست مردم همه چیز را بدانند و به همین دلیل به شکلی عمل می کند که این اتفاق در عمل و در برنامه هایی که تولید می کند رخ بدهد. تعریفی که صداوسیما از واژه مصلحت دارد نیز تعریفی است که گروه هایی از جامعه از مصلحت دارند. ما آمار دقیقی از بخش ارزشی جامعه نداریم و نمی توان به صراحت عنوان کرد که کدام بخش جامعه را باید ارزشی دانست و کدام بخش از دایره ارزشی بودن خارج هستند. واقعیت این است که هیچ گاه نیز نمی توان این دسته بندی را به صورت دقیق مشخص

کرد. رویکردی که صداوسیما در پیش گرفته بر اساس خواست گروه های ارزشی است، اما گروه های غیر ارزشی باید در انتخابات شرکت کنند، مالیات پرداخت کنند و اگر کشور با مخاطره مواجه شد برای همکاری و همراهی به صحنه بیایند و کمک کنند. در عین حال این گروه ها را نمی توان در دایره گروه های ارزشی به شمار آورد.

صداوسیما خود را رسانه ملی می داند. رسانه ملی بودن نیز نیازمند فراگیری و دربر گرفتن سلاقی و

تفکرات مختلف است. در سال های اخیر صداوسیما به چه میزان به معنای واقعی رسانه ملی نزدیک بوده است؟

به هر حال ما باید بپذیریم که صداوسیما یک رسانه است و با توجه به دغدغه هایی که مدیران آن دارند فعالیت می کند. اگر بولتن وزارتخانه ها را در نظر بگیریم باید آنها را هم یک رسانه در نظر گرفت. اینکه یک رسانه به چه شیوه ای عمل می کند باعث نمی شود از معنای رسانه بودن خود فاصله بگیرد. صداوسیما به هر حال یک رسانه است.

۸ ماه تنش حداکثری ایران و جمهوری آذربایجان و چهار تفسیر از آینده تنش ها

علی اف، تهران و باکو را به سمت جنگ ناگزیر کشانده است؟

آذربایجان نیز در اول فوریه ۱۲ بهمن شکایتی را علیه ایران در مجامع بین المللی تنظیم کرد. در ادامه رویکرد سلبی باکو، در ۵ فوریه ۱۶ بهمن ویدئویی در رسانه ها و شبکه های اجتماعی ویرال شد که در آن علی اف یک قاری قرآن را به مرز ایران در کنار «رودارس» فرستاده تا «سوره فتح» بخواند. این اقدام نمادین به عنوان نوعی تهدید باکو علیه ایران به جنگ مورد بازخوانی قرار گرفت. هنوز جنگال سازی های علی اف با فرستادن یک قاری به کنار «رودارس» و خواندن «سوره فتح» به پایان نرسیده بود که او در قلب اروپا، در جریان کنفرانس امنیتی مونیخ (Security Conferenc) که در روزهای ۱۷ تا ۱۹ فوریه (۲۸ تا ۳۰ بهمن) برگزار شد، تشکیلات ایران را پشت ماجرای حمله به سفارت باکو در تهران معرفی و انگ تروریسم دولتی را به ایران وارد کرد. با وجود قریب به یک ماه آرام شدن وضعیت تنش های میان دو طرف، در آغاز سال جدید ایرانی، اخباری مبنی بر تجمع نیروها و آمادگی ارتش جمهوری آذربایجان برای حمله به استان سیونیک ارمنستان منتشر شد. با انتشار اخبار و فیلم هایی از این رخداد، منابع غیررسمی در ایران هم از آماده باش نیروهای ایرانی در شمال غربی کشور خبر دادند. همزمان با جدی شدن احتمال وقوع جنگ، جنگنده های ۴۴ و ۱۴ ارتش جمهوری اسلامی بر فراز آسمان شمال غرب ایران و در نواحی نزدیک به مرزهای ارمنستان، باکو و نخجوان به پرواز در آمدند. نمایشی که ناظران سیاسی آن را هشدار جدی تهران به باکو از توسل به هر گونه ماجراجویی معنا کردند. واپسین و شاید جدی ترین موج تنش های میان ایران و جمهوری آذربایجان طی چند روز اخیر و بعد از بیانیه ۲۱۰ نماینده مجلس ایران علیه باکو به وقوع پیوسته است. نمایندگان مجلس ایران در ۱۶ فروردین، طی بیانیه ای معرفی سیر جمهوری آذربایجان در اسرائیل را محکوم کردند. بعد از این بیانیه موج گسترده اقدامات و تحرکات ضدایرانی شد بی سابقه ای در تاریخ ایران. در نخستین گام جمهوری آذربایجان چهار دیپلمات ایران در باکو را عنصر نامطلوب معرفی کرد و از آنها خواست تا خاک این کشور را ظرف ۴۸ ساعت ترک کنند. همزمان جمهوری آذربایجان در مناطقی از جمهوری خودمختار نخجوان و در نزدیکی مرزهای ایران رزمایش نظامی زمینی و دریایی گسترده ای را آغاز کرد. همچنین، نیروی دریایی این کشور رزمایش هجومی را با حضور ناوها در «دریای خزر» برگزار کردند. در ادامه موج نفرت پراکنی های اخیر حتی رسانه های جمهوری آذربایجان مدعی شدند پرچم ایران از جلوی سفارتخانه ایران در خیابان بنیاد سرداروف باکو برداشته شده است که البته واهی بودن این ادعا به سرعت اثبات شد.

حضور نظامی اسرائیل در مرز شمالی ایران در منطقه زنگرور تبدیل شد. کنترل این منطقه موجب خواهد شد که آنکارا و باکو دست بالا را در زمینه انرژی و ترانزیتی نسبت به تهران داشته باشند. افزون بر این موارد، از نگاه ایران تصرف استان سیونیک می تواند مقدمه ای برای تصرف کل کشور ارمنستان و برهم خوردن موازنه قوا در منطقه باشد. همچنین، ایجاد کریدور موردنظر باکو به معنای حذف تهران از ژئوپلیتیک قفقاز و بسته شدن تنها دالان مستقیم ارتباط سرزمینی ایران با اروپا خواهد بود. از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران با آگاهی از این مسائل، طی ماه های بعد از مرداد سال گذشته (۱۴۰۱) که انگیزه باکو برای تصرف استان سیونیک آشکار شد، با صراحت رویکردی تقابلی را در پیش گرفته است. در اقداماتی نمادین و معنادار، در ۲۶ مهر ماه رزمایش نیروی زمینی سپاه پاسداران ایران، در منطقه عمومی ارس، تمرین عبور از رود ارس را برگزار کرد. حسین امیر عبداللہیان، وزیر امور خارجه ایران نیز در ۲۸ مهر ماه رهسپار ارمنستان شد و سرکسولگری ایران در شهر قاپان استان سیونیک را افتتاح کرد. اقدامات ایران واکنش متقابل جمهوری آذربایجان را به همراه داشت. ۵۰ روز بعد از رزمایش ایران، دولت جمهوری آذربایجان با همراهی ترکیه، در ۱۷ آذر ماه رزمایش «مشت بدری» را برگزار کردند. قابل توجه ترین بعد این رزمایش، عبور نیروی آسانی و تجهیزات نظامی دو کشور، از رودخانه مرزی ارس بود که از سوی بسیاری ناظران، به عنوان پاسخ روشن به رزمایش اخیر ایران ارزیابی شد. بعد از این رزمایش لغافلی های الهام علی اف و برخی از نمایندگان پارلمان باکو در ارتباط با آذری های داخل ایران ادامه داشت، اما رخداد مهم در ۷ بهمن ماه بعد از حمله یک شخص به سفارت باکو در تهران اتفاق افتاد. در این حادثه که منجر به کشته شدن «اورخان عسگروف»، افسر امنیتی سفارت شد، گستره تنش ها میان ایران و جمهوری آذربایجان به بالاترین سطح ممکن رسید. باکو سفارتخانه خود در تهران را تعطیل و با صراحت این حادثه را تروریستی معرفی کرد. وزارت خارجه جمهوری آذربایجان در ۳۱ ژانویه (۱۱ بهمن) با صدور بیانیه خواستار بازگشت اتباع خود از ایران شد.

موج تنش های میان تهران و باکو

همزمان با تمامی گام های مذکور، همه رسانه ای و تبلیغاتی ضدایرانی در کشور جمهوری آذربایجان در سطحی گسترده افزایش یافت. همچنین، نیروهای امنیتی جمهوری آذربایجان در ۳۱ ژانویه (۱۱ بهمن) ۲۲ (۱۴۰۱) از آغاز عملیاتی تحت عنوان «ضد شبکه جاسوسی ایران» خبر دادند. وزارت خارجه جمهوری